گفت‌وگو با جلیل کاربخش راوری عضو هیئت امنای انجمن پسته ایران و نایب رئیس اتاق بازرگانی کرمان

فراز و فرودهای انجمن

مصاحبه‌کننده: ابوالفضل زارع نظری

ایده اولیه تشکیل انجمن و چگونگی ادامه یافتن فعالیت‌های آن معمولاً مورد سوال بسیاری از افراد قرار می‌گیرد. این درحالی‌است‌که انجمن در مدت حیات ۱۵ ساله خود فراز و فرودهایی را نیز پشت سر گذاشته که بررسی آنها خالی از لطف نیست. از این‌رو، به سراغ جلیل کاربخش راوری، یکی از اعضای هیئت امنای انجمن رفتیم تا در این زمینه از زبان وی بشنویم.

اشاره

جلیل کاربخش راوری قریب به ۴۰سال است که تولید و تجارت پسته که شغل پدری‌اش بوده را دنبال می کند و در سال ۱۳۶۷ به عضویت اتاق بازرگانی درآمده است و از همان زمان کارت بازرگانی دارد. وی از سال ۱۳۸۵ به همراه هیئت موسس انجمن پسته پیگیر تأسیس انجمن بوده و از سال ۱۳۸۹ هم عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی کرمان است.



از روزهای آغاز به کار انجمن شروع کنیم؛ چگونه انجمن تشکیل شد؟

به‌نظرم فضای سیاسی دهه هشتاد و سال‌هایی که انجمن پسته شکل گرفت، سال‌های پُرتنشی برای کشور و به‌نوعی پُرتنش برای بخش خصوصی بود؛ در آن‌زمان، حاکمیت وقت، یعنی دوره اول دولت آقای احمدی‌نژاد و به تبع آن مدیریت عالی استان، خیلی اعتقادی به اتاق بازرگانی و تشکل‌های آن نداشتند. اما به‌هرحال انتخابات انجمن انجام شد و مدیریت آقای جلال‌پور به‌عنوان ریاست وقت اتاق کرمان و سپس در سمت رئیس هیئت مدیره انجمن پسته موثر واقع شد. درواقع، ایشان توانستند از طریق دوستانی که گرد هم آوردند و با پشتوانه برخی از فعالین حوزه‌های تولید و تجارت پسته، پایه‌های انجمن را بنا کنند؛ به‌عنوان مثال، ما حضور آقای اسدالله عسگراولادی را نیز در جمع اعضای هیئت موسس انجمن داشتیم. همه اینها پشتوانه خوبی شد تا پایه‌های انجمن قوی‌تر شود و باتوجه به شرایط زمانه، ادامه

حیات دهد. به‌نظرمن، در آن مقطع زمانی آقای جلال‌پور توانستند همه ذینفعان را خیلی خوب دور هم جمع کنند.

بعد روند فعالیت انجمن چطور ادامه یافت؟

ما شروع خیلی خوبی داشتیم و در ادامه تا اوایل دهۀ نود، یعنی تا زمانی که بزرگان پسته دور هم جمع بودند، کارهای خیلی خوبی انجام شد. اما بعد از آن شرایط کشور به‌نحوی پیش رفت که روابط ما با دنیا بدتر شد و فشار تحریم‌ها در اوایل دهه نود اجازه فعالیت بیشتر بخش خصوصی را نمی‌داد. من معتقدم اگر این شرایط پیش نیامده‌بود، انجمن کارهای بهتری می‌توانست در عرصه بین‌الملل انجام دهد و امکان برقراری ارتباط با دنیا را داشت. به‌نظرمن، دوره شکوفایی انجمن همان اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود بود.

شما فرمودید شرایط سیاسی کشور بر تشکیل و ادامه کار انجمن اثرگذار بودند و انجمن در سطح بین‌الملل می‌توانست فعالیت بیشتری بکند. در این‌باره توضیح بیشتری می‌دهید؟

بله، من علایق سیاسی آنچنانی ندارم، اما تجربه شخصی و مطالعه وضعیت گذشته نشان می‌دهد دوره بهبود وضعیت اقتصاد کشور در مقطع زمانی بعد از پیروزی انقلاب در دولت اصلاحات رخ داده و دلیلش هم نگاهی است که آن دولت نسبت به دنیا و ارتباط با آن داشته‌است.

به تبع، انجمن هم بخش کوچکی از اقتصاد کشور است و توانست همین نگاه را دنبال کند و امکان ارتباطش با دنیا فراهم شد. همان‌طور که می‌دانید، شعار دولت آن روز این بود که با دنیا ارتباط داشته‌باشد. انجمن هم به نوعی در حوزه عمل حاکمیت و دولت کار می‌کند و زمانی که ارتباط ضعیف می‌شود، قاعدتاً انجمن هم ضعیف می‌شود.

مگر انجمن از منابع دولتی تغذیه می‌شود؟

خیر؛ همین که انجمن هیچ‌وقت وابسته به دولت و بودجه‌های دولتی نبوده یکی از مزیت‌های این تشکل است و ما هیچ‌وقت وابسته به منابع دولتی نبوده‌ایم. همین امر توانسته انجمن را مستقل نگاه دارد. منظورم این است که خواه ناخواه فعالیت‌های سیاسی و مداخلات اقتصادی دولت‌ها می‌تواند بر نوع فعالیت انجمن اثرگذار باشد.

> برای اداره انجمن اصلاً نباید وابستگی مالی به دولت داشت؛ به‌هیچ‌وجه نه دولت و نه منابع دولتی. اگر تشکلی از بخش خصوصی قرار است اداره شود، بهتر است که از محل حق عضویت‌ها و کمک اعضایش اداره شود تا اینکه بخواهد دستش را پیش دولت دراز کند و پیرو سیاست‌های دولت باشد

انجمن نتوانسته به دولت‌ها مشاوره بدهد و دیدگاه خودش را منتقل کند؟

همان‌طوری که اتاق مشاور قوا است، انجمن هم به‌عنوان یکی از تشکل‌های تخصصی اتاق این نگاه مشورتی را داشته‌است، اما یک دوره به توفیق بیشتری دست یافته و در دوره‌ای دیگر افول کرده‌است. به‌نظرمن، در دو دورۀ دولت نهم و دهم ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد فضای سیاسی کشور و ارتباطات بین‌الملل وضعیت مناسبی نداشت و هرچه جلو رفتیم وضع بدتر و روابط انجمن با دولت نیز کمرنگ‌تر شد.

شما چه نقشی برای انجمن در ارتباط با دولت متصور هستید؟

برای اداره انجمن اصلاً نباید وابستگی مالی به دولت داشت؛ به‌هیچ‌وجه نه دولت و نه منابع دولتی. اگر تشکلی از بخش خصوصی قرار است اداره شود، بهتر است که از محل حق عضویت‌ها و کمک اعضایش اداره شود تا اینکه بخواهد دستش را پیش دولت دراز کند و پیرو سیاست‌های دولت باشد. من مخالف این موضوع هستم که بخش خصوصی و تشکل‌هایش از منابع دولتی ارتزاق کنند؛ چون اینکار گرفتارشان خواهدکرد و بله قربان‌گوی دولت و حاکمیت خواهندشد. به‌نظرم انجمن پسته در این زمینه نسبت به سایر تشکل‌ها الگوی خوبی در کشور است.

ناگفته نماند که ما در تعامل با دولت مشکل نداشتیم و نداریم و هیچ‌وقت در تقابل با دولت نایستادیم، بلکه ما مطالبات به‌حق خودمان را از دولت و حاکمیت داریم.

آیا از ناحیه دولت آسیبی هم به پسته رسیده‌است؟

بله! به‌طور مثال در دولت آقای احمدی‌نژاد، رحیمی معاون اول ایشان، یک شبه صادرات پسته را ممنوع اعلام کرد! شما باور نمی‌کنید این کار درست در زمان اوج تقاضای بازارهای خارجی چه آسیبی به پسته زد. این کار یک رفتار پوپولیستی بود تا به مصرف‌کننده داخلی نشان دهد که قصد حمایت از او را دارد. سوال من این است، آیا واقعاً مردم و جامعه ایرانی نیازمند مصرف پسته بودند! پسته یک کالای لوکس است که باید صادر شود و از محل صادراتش درآمدی نصیب کشور شود و معیشت مردم را در جای دیگری تقویت و تأمین کند.

دست‌اندرکاران انجمن در آن شرایط چه‌کار کردند؟

مدیران انجمن به‌موقع حضور پیدا کردند و پیگیری کردند. بهتر است باز هم یادی کنم از آقای جلال‌پور، دوستان دیگری که آن زمان در انجمن حضور داشتند، آقای عسگراولادی و آقای کریمی‌پور. پیگیری‌های این افراد منجر به بازنگری در آن تصمیم خطرناک دولت شد.

آیا این را جزو دستاوردهای انجمن می‌دانید؟

بله، به‌نظرم این کار بخش کوچکی از دستاوردهای انجمن است. انجمن دستاوردهای فراوانی در حوزه فضای کسب و کار داشته و من به‌عنوان عضو کوچکی از خانواده انجمن پسته مشکلات فراوانی را در حوزه فضای کسب و کار دیدم.

توضیح بیشتری درباره این موضوع می‌دهید؟

اگر خاطر بزرگواران باشد، سازمان مالیاتی کشور در سال ۱۳۹۲ تصمیمی گرفته بود مبنی بر اینکه تولید و فروش پسته را مشمول پرداخت مالیات بر ارزش افزوده کند و در آن مقطع مشکل بزرگی بود، اما با پیگیری‌هایی که از طریق اتاق بازرگانی انجام دادیم و با حمایت آقای جلال‌پور از بنده، توانستیم از دفتر فنی سازمان مالیاتی استعلام بگیریم که پسته یک کالای کشاورزی فرآوری نشده و معاف از مالیات است. در آن‌زمان استنباط برخی از دوستان

در سازمان مالیاتی این بود که با گرفتن پوست نرم روی پسته فرآیند فرآوری آن تکمیل می‌شود و به طبع، پسته خشک مشمول ارزش افزوده است. به‌هرحال، ما با پیگیری‌هایی که انجام دادیم توانستیم از بروز این اتفاق ناخوشایند و تصمیم خطرناک برای اقتصاد پسته جلوگیری کنیم.

پس تصمیمات دولتی در جهت منافع ملی پسته کشور نیستند!

بله، پیمان سپاری ارزی یکی دیگر از سنگ‌هایی است که دولت‌ها بر سر راه تولید و صادرات پسته انداخته‌اند. بنابر تصمیم شورای عالی سران، از تاریخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۷ بایستی ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور برگردد. در شرایطی که کشور در تحریم‌های بانکی است و صادرکنندگان ما به روش‌های مختلف ارز حاصل از صادرات‌شان را به کشور برمی‌گردانند، حاکمیت و بانک مرکزی دستورمی‌دهند که این ارز باید به روش و قیمت خودشان به کشور بازگردد!

انجمن در این زمینه چه کاری توانست انجام دهد؟

انجمن پسته و جمعی از همراهان، پیگیری‌هایی برای رفع این معضل انجام دادیم و به‌نظرم انجمن پسته جزو موفق‌ترین تشکل‌هایی بود که رفع پیمان سپاری و یا تعدیل آن را پیگیری می‌کرد. خاطرم هست که برای شرکت در اجلاس بررسی مالیات در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۷ به شهر مشهد رفته بودم و آقای پورابراهیمی نماینده مردم کرمان در مجلس هم در این جلسات حضور داشتند. در آنجا ما مرتباً تأکیدمان بر این بود که روش فعلی برگشت ارز برای پسته خطرناک است. ما جلسات متعددی با حضور ریاست محترم و اعضای هیئت مدیره انجمن، دبیرکل وقت انجمن، اتاق کرمان و نمایندگان محترم مجلس در بانک مرکزی داشتیم و این باعث شد که من از همان ابتدا این انگیزه را پیدا کنم تا در تشکیلاتی که در اتاق ایران تحت عنوان کمیته ارزی اتاق ایران راه‌اندازی شده‌بود، مشارکت داشته‌باشم.

اینها صرفاً فعالیت‌های انجمن در سطح داخلی هستند.

بله، در سال ۱۳۹۳ در حوزه تجارت داخلی پسته در بخش مالیات‌ستانی مشکلی بروز کرد و این مسئله انگیزه من را تقویت کرد تا بتوانم در کمیته تعیین ضرایب مالیاتی کشور حضور پیدا کنم. سال‌های سال تعیین نرخ ضریب مالیاتی برعهده این کمیته بود که یک عضو از آن از اتاق بازرگانی ایران، یک عضو از بانک مرکزی، یک عضو از سازمان مالیاتی و یک عضو از اتاق اصناف ایران بود و نهایتاً این ضرایب در تهران و برای کل کشور تعیین می‌شد. خاطرم هست که همزمان با ریاست آقای جلال‌پور در اتاق ایران، من درخواستم مبنی بر حضور در این کمیته به‌عنوان نماینده اتاق و فعالیت در کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق ایران به‌عنوان نائب رییس را اعلام کردم. به لطف آقای جلال‌پور به‌مدت چهار سال تا سال ۱۳۹۸ که سال اجرای قانون اصلاح مالیاتی بود در کمیسیون تعیین ضرایب مالیاتی حضور داشتم و توانستم بیش از یک‌هزار ردیف ضریب مالیاتی را به میزان ۳۶ درصد و از جمله ضریب مالیاتی پسته را به یک سوم ضریب ابتدای دوره برسانم.

انجمن در سطح بین‌الملل چه فعالیت‌هایی داشته است؟

به‌نظرم، انجمن در سطح بین‌الملل کاری که می‌توانست انجام داده؛ مثلاً در نمایشگاه‌های بین‌المللی حضور پیدا کرده و در کرسی‌های جهانی جای خودش را بازکرده‌است. تداوم حضور انجمن در کرسی شورای جهانی خشکبار (INC) یکی از این موارد است؛ جا دارد که من تشکر کنم از حضور چند سال اخیر آقای بهروز آگاه و آقای فرهاد آگاه به نمایندگی از انجمن در این شورا. این بزرگواران و قبل از آن عزیزانی که می‌رفتند همیشه این پرچم را بالا نگه می‌داشتند و کار خوبی است. البته محدودیت‌هایی که در دوران تحریم به کشور ما تحمیل شد، بعضی اوقات انجمن را از حضور در برخی از نمایشگاه‌های بزرگ دنیا مثال آنوگا و سیال فرانسه باز داشته‌است.

> امیدواریم فضای بین‌الملل برای ایران تلطیف شود و با ورود مجدد ایران به عرصه اقتصاد بین‌الملل، انجمن پسته هم بتواند در این حوزه مؤثرتر از گذشته ظاهر شود

پس شما معتقدید تحریم‌ها بر فعالیت‌های بین‌المللی انجمن برای معرفی پسته ایران اثرداشته‌اند؟

بله، حتی تشدید تحریم‌ها باعث شد که اعضای ما از برخی از فعالیت‌های انجمن محروم شوند، اما انجمن تلاش خودش را در سنواتی که امکان آن را داشته، انجام داده‌است.

اگر فرصتی باشد، انجمن در عرصه بین‌الملل بهتر از این هم می‌تواند فعالیت کند، منتها می‌طلبد که مشارکت همه اعضا را داشته باشیم. ما یک تشکل قدیمی داریم تحت عنوان اتحادیه خشکبار، اگرچه تعدادی از دوستان اتحادیه خشکبار در انجمن نیز عضو هستند و در مدیریت انجمن مشارکت داشته‌اند، اما به‌نظرم ما باید دست‌به‌دست هم دهیم و به کمک سایر تشکل‌های ملی به بهبود وضعیت فعلی کمک کنیم و حضورمان در عرصه بین‌الملل پررنگ‌تر شود.

امیدواریم فضای بین‌الملل برای ایران تلطیف شود و با ورود مجدد ایران به عرصه اقتصاد بین‌الملل، انجمن پسته هم بتواند در این حوزه مؤثرتر از گذشته ظاهر شود.

شما چه رسالت‌های دیگری برای انجمن متصور هستید؟

انجمن اضافه بر وظایف و رسالت‌هایی که داشته کارهای خیلی خوبی انجام داده‌است. ما با حضور آقای جلال‌پور و محوریت‌شان در اتاق کرمان، اندیشکده تدبیر آب ایران را راه اندازی کردیم.

در این‌باره توضیح بیشتری می‌دهید؟

به جهت انحراف از قانون، در اوایل دهه شصت اجازه حفر چاه‌های عمیق باعث برداشت بی‌رویه آب از منابع زیرزمینی شد و ما که در منطقه خشک دنیا قرار گرفته‌ایم همه منابع آبی‌مان را تاراج و نابود کردیم. اما قرین به ده سال، انجمن و اتاق بازرگانی کرمان که آقای جلال پور در رأس انجمن و اتاق بودند، با پیگیری جمعی خود اندیشکده تدبیر آب را راه‌اندازی کردند. اگرچه اندیشکده مطالعات مطلوبی داشته، ولی آیا حاکمیت به معنای قانون‌گذار و دولت هیچ توجهی به مطالعاتی که در این



حوزه انجام شده و گزارش‌هایی که استخراج می‌شود، دارد یا خیر؟! به نظرم یا کارهای مطالعاتی انجام شده کافی نبوده و یا مطالبه‌ای از سوی اتاق و یا اندیشکده صورت نگرفته تا این تلاش‌ها و مطالعات در زمینه آب منجر به اصلاح قانون و مقرارت این حوزه شوند.

پس شما معتقدید انجمن باید مسائل مربوط به آب و تولید پسته را پیگیری کند؟

قطعاً بخش بزرگی از اعضای ما جزو جامعه تولیدکنندگان هستند، به‌نظرم اگر می‌خواهیم به نگرانی و دغدغه آنها بپردازیم باید به حوزه آب به‌صورت جدی ورود کنیم و حرکتی که منجر به اصلاح قوانین و مقررات مربوطه گردد، شکل گیرد.

اخیراً دولت لایحه‌ای را در زمینه قوانین آب تهیه کرده و به مجلس داده، به نظرم ما در انجمن و اندیشکده آب نتوانستیم تأثیر لازم را در تدوین این لایحه بگذاریم. ما باید بتوانیم آنجا تأثیرگذار باشیم. اینکه مرکز تحقیقات تحقیق کند و آن را بگذاریم در یک طاقچه یا فقط منتشر بکنیم، آیا تأثیر دارد! ما باید تأثیرش را ببریم به مرکز پژوهش‌های مجلس و به وزارت متبوعه مثل وزارت نیرو و مقرراتی که می‌دانیم آسیب می‌زند را با تدوین لایحه و یا طرح اصلاحی در مجلس به نتیجه مطلوب برسانیم.

فکر می‌کنید انجمن می‌تواند قوانین را عوض کند و از نامش سوء استفاده نشود؟

من تصور می‌کنم اگر پیگیری بیشتری می‌شد و با تشکیل همایش‌هایی در استان این حساسیت را در جامعه به وجود می‌آوردیم و حاکمیت را مشارکت می‌دادیم، موفق می‌شدیم. ما به نمایندگی از جامعه تولیدکنندگان باید حضور مؤثرتری می‌داشتیم. من نمی‌دانم شاید برخی از دوستان این کار را انجام داده‌اند! ولی من چیزی نشنیدم. اتاق کرمان هم نباید این رسالت را به دوش انجمن پسته بیاندازد. اما انجمن‌های تخصصی مثل: انجمن پسته و خرما و همه انجمن‌های تولید و مصرف محصولات کشاورزی که با محوریت استان در سطح ملی فعالیت

می‌کنند در پرداختن به این موضوع رسالت دارند.

انجمن طی ۱۵ سال عمرش در زمینه آموزش و ترویج کشاورزی، آگاهی بخشی در حوزه تولید و تجارت پسته فعالیت کرده‌است. شما اینها را رسالت انجمن می‌دانید یا سازمان دیگری؟

اینکه در کشور ما جزیره‌ای عمل می‌شود و هر بخش برای خودش کار می‌کند، خیلی مطلوب نیست. ولی اینکه شما می‌فرمایید مسئولیتش با کیست؟ به‌نظرمن، ما منتظر دولت و منتظر دستگاه متولی نمانیم. ما به‌عنوان تشکل باید در همه حوزه‌ها اعم از معضلات و مشکلات تولید و تجارت فعال شویم. خودمان باید برای رفع مشکلات تلاش کنیم و مطالباتمان را درخواست نماییم.

همه این کارها هزینه دارد. منبع مالی پیشنهادی شما چیست؟

به‌نظرمن، بهترین و پاک‌ترین منبع برای تأمین مالی حق عضویتی است که اعضا می‌پردازند. ولی برای توسعه‌اش باید برنامه داشته‌باشیم. ما باید به معضلات حوزه تولید و تجارت بپردازیم تا جذب حداکثری اعضا اتفاق بیفتد.

فکر می‌کنید این تفکر تاکنون موفق بوده‌است؟

به نظرم وضعیت معیشت تولیدکنندگان در بازه زمانی چند سال گذشته هر روز بدتر از دیروز بوده و نرخ بهره‌وری تولید ما در واحد سطح به‌دلیل خشکسالی‌های متوالی مرتب رو به کاهش بوده‌است. اگر از جامعه تولیدکنندگان بزرگ صرف‌نظر کنیم، بخش بزرگی از تولیدکنندگان، خُرد هستند و امکان جمع کردن آنها دورهم وجودندارد. شاید با حق عضویت‌های کمتر به‌عنوان عضو وابسته بتوانیم تعداد آنها را افزایش دهیم. امیدواریم وضعیت معیشتی همه تقویت شود و تمایل بیشتری به مشارکت داشته‌باشند.

شما دلیل برخی از توفیقات انجمن در داخل و خارج را ناشی از چه می‌دانید؟

حضور برخی از اعضا در اتاق بازرگانی، پیگیری هیئت مدیره انجمن و حمایت‌های خوب برخی از بزرگان عرصه تولید و تجارت پسته بی‌تأثیر نبوده‌است. به نظرمن، ارتباط خوب انجمن و اتاق کرمان با قانون‌گذار، نمایندگان مجلس و دولت، ارتباط مؤثری بوده و آن بزرگواران به ما در پیگیری امور کمک کردند. قطعاً اثرگذاری بیشتر در این زمینه، نیازمند مطالبه‌گری است. به اعتقاد من، مدیران وقت انجمن این مطالبه‌گری را داشتند و تأثیر مهم آن را تاکنون دیده‌ایم. من وظیفه همه اعضای انجمن می‌دانم که برای پیگیری امورات پسته کشور کمک کنند.

فکر می‌کنید پیشبرد اهداف انجمن باید قائم به شخص باشد؟

به نظرمن، در یک شرایط سالم و سیستم سالم اداری، به قطع و یقین باید پیشبرد امورات به سیستم وابسته باشد، نه به شخص. این در صورتی اتفاق می‌افتد که همه کشور با آن سیستمی که مدنظر شماست اداره شود.

اطلاع دارید که برخی از پیگیری‌ها و حل و فصل برخی از مشکلات توسط بعضی از دوستان در انجمن انجام شده‌است. دلیل این امر این بوده که در کشور ما روابط به‌نحوی تنظیم شده که پیگیری‌ها از طریق اشخاص صورت می‌گیرد. بنابراین، این موضوع برمی‌گردد به شرایط جاری کشور، وگرنه ما هم معتقدیم که سیستم باید به‌جای اشخاص حاکم شود و اگر کارها از طریق سیستم پیگیری شوند یقیناً مطلوب‌تر و مناسب‌تر خواهدبود.

به نظرمن، ما به آدم‌هایی که نام بردم خیلی مدیون هستیم و این بزرگان کمک کردند فضای کسب و کار پسته بهبود یابد.

آیا تشکل‌های بخش خصوصی برای اینکه صرفاً قائم به شخص نباشد قدمی برداشته‌اند یا اینکه فقط منتظر دولت هستند؟

ما در بالادست انجمن‌ها، اتاق بازرگانی ایران را با سابقه بیش از صد سال داریم. فکر می‌کنم در مقاطعی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی چنین مطالبه‌ای بوده‌است، ولی واقعیت امر این است که بخش خصوصی هم به‌صورت یکپارچه مطالبه‌گری اداره کشور به‌صورت سیستمیک را نداشته‌است. ما این ضعف را باید از طرف خودمان هم ببنیم. واقعیت این است که ما هم در این زمینه مطالبه‌گری مطلوب را نداشتیم.

> بهترین و پاک‌ترین منبع برای تأمین مالی حق عضویتی است که اعضا می‌پردازند. ولی برای توسعه‌اش باید برنامه داشته‌باشیم. ما باید به معضلات حوزه تولید و تجارت بپردازیم تا جذب حداکثری اعضا اتفاق بیفتد

فکر می‌کنید چرا دولت برای ارتباط با انجمن‌ها فقط تعدادی از افراد را گزینش می‌کند؟

به‌نظرمن، این مبحث خیلی خوبی است. چرا تشکلی برای ادامه حیات و یا در اداره شدن قائم به یک شخص بوده یا هست و آیا چون این مدل در کشور جاری است، پس توجیه خوبی برای این رفتار است و آیا شخص رسالت خودش را از طریق این ارتباط به نحو احسن انجام می‌دهد، جای سوال دارد!

آیا این اشخاص افرادی را پرورش داده‌اند یا خیر، نیز جای سوال است. به‌نظرمن، در برخی جاها اینکار انجام نشده و خودمان در انتقال تجربیات کاستی داشتیم. اگر هم تعلیمی در این زمینه انجام شده، کافی نبوده‌است.

این مسئله را ناشی از چه می‌دانید؟

شاید متأثر از نگاه و فرهنگ حاکم بر جامعه بوده‌است. دولت هم در عمل با شخص ارتباط برقرار می‌کند و فرد هم دوست دارد و در گفتارش این را می‌گوید. این یک آسیب است و ما باید بتوانیم همه این روابط را سیستمیک کنیم تا اگر فردا من نوعی حضور نداشتم تشکیلات بتواند امور را پیگیری کند.

پیش‌نیاز شروع اینکار را چه می‌دانید؟

قدم اول این است که ارتباط با آن تشکل از طریق مجموعه دبیرخانه آن سیستم اتفاق بیفتد و همه مستندات دقیقاً باید ثبت و ضبط شوند. این کار کمک می‌کند در آینده امکان پیگیری وجودداشته باشد و بتوانیم موفق‌ترعمل کنیم

ما باید آموزش‌های لازم را به اشخاص بدهیم که اگر شخصی دارد همکاری می‌کند و وقتش را صرف می‌کند و بعداً بنا به هر دلیلی نتوانست ادامه دهد، کار ادامه پیداکرده و متوقف نشود.